

تصمیم استراتژیک، آفریقا بلی یا خیر؟

اشاره:

قاره آفریقا با منابع طبیعی سرشار در زیرروی زمین، از بازارهای ناشناخته برای بسیاری از دست‌اندرکاران تجارت در ایران و دیگر نقاط جهان است.

ملل اروپایی برای تسلط بر منابع طبیعی این قاره بکر، سال‌ها آن را تحت حاکمیت و استعمار خود داشتند و به غارت این منابع پرداختند. بسیاری از مواد اولیه، محصولات کشاورزی و برخی مصنوعات آفریقا از طریق بازارها و تجار اروپایی به دیگر نقاط جهان، حتی به ایران ارسال می‌شوند.

در آفریقا امکانات زیربنایی محدودی وجود دارد و همین امر سبب شده که تجار اروپایی با استفاده از این فرصت، به غارت منابع با ارزش این قاره به قیمتی بسیار نازل، بپردازند.

سال‌ها استعمار و غارت آفریقا از سوی اروپائیان باعث شده که مردم این قاره اعتماد خود را به بیگانگان از دست بدهند. با این حال این موارد نباید سبب شود که از این بازار پر تقاضا با حدود ۷۰۰ میلیون جمعیت غافل بمانیم.

تولیدات ایران به لحاظ قدرت رقابت در بازار آفریقا موقعیت بسیار خوبی دارند، اما فرصت‌های تجاری ناشناخته مانده‌اند و به همین جهت تاکنون حضور چشمگیری در آفریقا نیافته‌اند.

در این گزارش تلاش داریم موقعیت اقتصادی آفریقا، راه‌های نفوذ به این بازار بزرگ و موانع و مشکلات حضور در بازار آفریقا را مطرح سازیم.



آفریقا در یک نگاه

از حدود شش میلیارد نفر جمعیت جهان حدود یک پنجم آن (۷۴۰ میلیون تن) در قاره آفریقا زندگی می‌کنند. قاره‌ای که وسعت آن برابر یک چهارم خشکی‌های جهان است و سرشار از منابع و ذخایر طبیعی و ثروت‌های زیرزمینی بکر است.

با وجود وسعت قاره آفریقا، تراکم جمعیت در این قاره به میزان ۵۵ نفر در هر مایل مربع می‌باشد که تقریباً معادل نصف تراکم جمعیت جهان (هر ۱۰۳ نفر در یک مایل مربع) است. با این حال رشد سریع جمعیت این قاره، به زودی تراکم جمعیت آن را بالا می‌برد و نه تنها به میانگین جهانی این شاخص می‌رساند، بلکه از آن پیشی خواهد گرفت.

رشد جمعیت قاره آفریقا سالانه ۳ درصد می‌باشد و در هر ۲۴ سال شمار ساکنان آن دو برابر می‌شود، در حالی که رشد جمعیت جهان ۱/۸ درصد در سال می‌باشد و هر ۷۰ سال جمعیت جهان دوبرابر می‌گردد.

○ با وجود منابع سرشار طبیعی و زیرزمینی، رشد جمعیت مانع رشد اقتصادی پایدار آفریقا نیست، بلکه غارت منابع این قاره توسط اروپایی‌ها و بتازگی امریکایی‌ها، عامل اصلی عقب‌ماندگی آفریقا است.

رشد سریع جمعیت اگر چه به عقیده بسیاری از کارشناسان مسایل اقتصادی آفریقا، از موانع گسترش فقر در این قاره تلقی می‌شود، اما با وجود منابع غنی و سرشار معدنی و طبیعی، به نظر نمی‌رسد که افزایش جمعیت مانع رشد و توسعه اقتصادی پایدار این قاره باشد. بلکه به

زعم برخی کارشناسان حاکمیت و استعمار اروپایی‌ها بر این سرزمین بکر و غارت منابع آن، سبب عقب‌ماندگی آفریقا می‌باشد.

بیش از یک پنجم جمعیت آفریقا در جنوب دریای مدیترانه و ناحیه‌ای از ساحل شرقی اقیانوس اطلس به ویژه در پنج کشور مصر، لیبی، الجزایر، تونس و مراکش زندگی می‌کنند و تعداد کثیری از ۵۶ کشور مستقل در قاره آفریقا درون خشکی‌ها محصور می‌باشند و به دریا‌های آزاد راهی ندارند.

تولید ناخالص سرانه در آفریقا به ۶۱۶ دلار در سال ۱۹۹۱ رسید که از میانگین جهانی آن (۳۸۴۵ دلار) به مراتب کمتر بود. با وجود این عدم امنیت سیاسی در این قاره سبب شده که سهم هزینه‌های دفاعی و تسهیلاتی از درآمد ملی این قاره به ۴/۶ درصد برسد که حدود نیم درصد بیش از میانگین آن در جهان است. با وجود ذخایر سرشار طلا، الماس، نفت، منگنز، آهن و ... در قاره آفریقا، زندگی مردم این قاره با دشواری به پیش می‌رود. آفریقا بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و درآمد صادراتی اغلب کشورهای این قاره به مراتب کمتر از تعهدات خارجی آنها بابت بهره و اقتصاد دیونشان می‌باشد.

○ تولید ناخالص سرانه آفریقا در سال ۱۹۹۱ به ۶۱۶ دلار رسید که به مراتب از میانگین تولید سرانه در جهان (۳۸۴۵ دلار) کمتر بود.

اگر چه آمار دقیقی از منابع و ذخایر طبیعی قاره آفریقا در دسترس نیست، با این حال بد نیست بدانید که ذخایر زغال سنگ پنج کشور آفریقایی حاشیه دریای مدیترانه بیش از ۱۴۰ میلیون تن،

گاز طبیعی ۷۷/۲ تریلیون مترمکعب و نفت خام ۳۸/۲ میلیارد بشکه ثبت شده است. در سال ۱۹۹۰ میلادی بیش از نیمی از تولید الماس و طلاهای جهان در قاره آفریقا استحصال شد. میزان تولید الماس آفریقا ۴۶/۸ میلیون قیراط و تولید طلاهای آن ۶۳۵ تن به ثبت رسید.

همچنین از ۹۰/۵ میلیون تن تولید بوکسیت جهان، بیش از ۱۷ میلیون تن آن سالانه در آفریقا استخراج و برداشت می‌شود.

اکثر کشورهای آفریقایی در زمره کشورهای بسیار فقیر و فقیر جهان قرار دارند. میزان بی‌سوادی در برخی از کشورهای این قاره به بیش از ۸۰ درصد جمعیت آنها می‌رسد. وضعیت بهداشت عمومی و فردی در این قاره بسیار نامطلوب است و هر از گاهی شیوع بیماری‌های واگیردار، شمار بسیاری از جمعیت را به کام مرگ می‌برد. وضعیت تغذیه عمومی در آفریقا نامتعادل است و تقریباً تمامی کودکان این قاره از سوءتغذیه رنج می‌برند و به هلاکت می‌رسند.

○ نیمی از طلا و الماس جهان در آفریقا به دست می‌آید و ۷۷/۲ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی و ۳۸/۲ میلیارد بشکه ذخیره نفت جهان در این قاره قرار دارد.

علت اصلی عقب‌ماندگی اقتصادی و وضعیت بد زندگی در این قاره را باید در استعمار و غارت ثروت‌های طبیعی آفریقا از سوی ملل اروپایی جست‌وجو شود. با این حال آفریقا برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، از مزیت‌های طبیعی بسیاری برخوردار است که می‌تواند با مشارکت و همکاری توأم با احترام



مقابل به حقوق مردم آفریقا و شرکای تجاری آنها، به بهره‌برداری برسد.

غارث ثروت‌های طبیعی مردم آفریقا با قیمتی نازل از سوی اروپایی‌ها سلب شده است که اعتماد آنها به بیگانگان سلب شود. در نتیجه ورود به بازار آفریقا چندان آسان نیست با این حال غیرممکن نیز به نظر نمی‌رسد. شاید با وجود بیش از ۲۰۰ میلیون مسلمان در این قاره، کشورهای اسلامی بهتر از دیگر ملل جهان بتوانند اعتماد مردم این قاره را جلب کنند و به کمک آنها بیایند و در مقابل خود نیز از منافع همکاری‌های اقتصادی - تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک بهره‌مند شوند.

ورود به فعالیت‌های اقتصادی در آفریقا

مطالب بسیاری از فقر، بدبختی،

بدهی‌های خارجی، نیازمندی‌ها و تنگناهای اقتصادی بسیاری از کشورهای آفریقایی به رشته تحریر درآمده است که این مطالب اثرات بازدارنده و نامطلوبی در روند فعالیت بخش خصوصی برای ورود به این دیار پرمآجرا به جا نهاده است.

○ غارت ثروت‌های طبیعی و خدادادی مردم آفریقا، اعتماد آنها را از بیگانگان سلب کرده است.

اما توجه به این نکته ضروری است که استعمار طولانی آفریقا توسط ملل اروپایی سبب شده که مردم این قاره به مصرف تولیدات خارجی عادت کنند و بخش قابل توجهی از نیازهای اولیه زندگیشان را از خارج وارد کنند.

استعمارگران منافع خود را در آن

دیده‌اند که مواد اولیه و منابع زیرزمینی این قاره را به غارت ببرند و در مقابل مصنوعات تولیدی خود را با بهای چند برابر بدانها بفروشند. تداوم این روند در چندین دهه متمادی رهبران ملی آفریقا را به واکنش و اعتراض واداشته است. اکنون بسیاری از رهبران آفریقا در مجامع بین‌المللی به نابرابری شرایط تجاری، ارزان شدن پی‌درپی بهای مواد اولیه صادراتی این قاره، انباشت دیون خارجی و اقساط سنگین و بهره این دیون که گاه تمامی درآمد صادراتی سالانه آنها را می‌بلعد و... اعتراض دارند.

در مقابل آن قدرت‌های استعماری اکنون مدعی هستند که قصد دارند انتقال دانش فنی و صنعت به این قاره را هدایت کنند که حتی اگر حقیقت پیدا کند، به معنای استفاده از نیروی کار ارزان و فراوان

آفریقا، در حالی که آنها نمی‌خواهند بازار آفریقا را از دست بدهند.

در حال حاضر بازار آفریقا برای جذب مصنوعات خارجی کشش زیادی دارد و از ظرفیت تقاضای بالایی نیز برخوردار است. با توجه به رشد تورم جهانی و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان به‌ویژه در آفریقا، کالاها و مصنوعات ایرانی به‌طور کامل قابل رقابت با انواع مشابه خارجی در این بازار بر تقاضا می‌باشد. بازار مصرف برای صادرات غیرنفتی ایران در آفریقا تقریباً آماده است. با این حال ورود به این بازار، راه و رسم دیگری دارد.

○ استعمارگران آفریقا، مواد اولیه و منابع طبیعی این قاره را به غارت بردند و در عوض ساکنان آن را به مصرف کالاهای وارداتی عادت داده‌اند. بازار آفریقا برای جذب مصنوعات خارجی کشش زیادی دارد.

حضور بخش خصوصی به‌طور مداوم در بازار آفریقا به‌صورت تجاری یا سرمایه‌گذاری ضروری است. تداوم روند همکاری‌های اقتصادی - تجاری و گسترش آن به‌تنها به عهده مسؤولان بخش دولتی است، بلکه صادرکنندگان جایگاه خاصی در این زمینه دارند.

تجارت با آفریقا به چهار عامل مهم حضور مستمر، ملموس نمودن کالا، شیوه‌های فروش و تجارت متقابل بستگی دارد. با عنایت به این عوامل می‌توان حضوری موفق و پرثمر در آفریقا داشت. تجربیات یک دهه اخیر نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی در آفریقا از راه دور و با روش‌های معمول بین‌المللی، گشایش اعتبار و... امکان‌پذیر نیست. فرهنگ جهان سومی مردم این قاره، سبب شده که

خریدار با فروشنده رویارو گردد و با رویت جنس، اقدام به خرید نماید.

از آنجا که نظام پرداخت‌های بانکی در بسیاری از کشورهای آفریقایی انسجام و ضمانت و سلامت کافی ندارد و یا از طریق مؤسسات مالی و بانکی اروپایی قابل اجراء است، لذا انجام تجارت دوجانبه، منافع بیشتری برای بازرگانان به‌همراه خواهد داشت.

مسئله مهم دیگر در بازار آفریقا، انحصارطلبی تجار قدیمی و باسابقه آسیایی و اروپایی فعال در آفریقا است. آنها تمایل ندارند تازه‌واردان، منافعی را تهدید کنند و به‌همین جهت مشکلات زیادی برای تجار ایجاد می‌کنند. باید توجه داشت که این موضوع، ارتباطی به سلیقه و خرید مصرف‌کننده ندارد و ممکن است او طالب کالاهای صادراتی به بازارش باشد.

○ حضور بخش خصوصی در بازار آفریقا به‌طور مداوم و به‌صورت تجارت متقابل یا سرمایه‌گذاری مشترک، سودمند است.

با این وصف، فعالیت تجاری در آفریقا از آغاز نمی‌تواند به‌صورت عمده‌فروشی و اخذ سفارش انجام شود، بلکه باید صادرکنندگان کالا برای مدتی به خرده‌فروشی و عرضه کالاهایشان (حتی به‌صورت استفاده از گروه‌های دوره‌گرد) اهتمام ورزند. در نمایشگاه‌های منطقه‌ای داخلی کشورهای آفریقایی حضور مستمر و فعال داشته باشند.

شیوه‌های مختلف بازاریابی وجود دارد که با توسل به آنها می‌توان مصرف‌کننده را با کالا آشنا کرد و اگر استمرار یابد، رهیافتی است که واردکننده و توزیع‌کننده به سوی عرضه‌کننده جلب خواهد شد. برای انجام

معاملات تجاری متقابل، می‌توان از ایرانی‌های مقیم کشورهای آفریقایی بهره گرفت. اکثر آنها اکنون کالاهای ایرانی را به بازار آفریقا می‌آورند و می‌توانند محصولات موردنظر تجار ایرانی برای ورود به کشور را تأمین و ارسال کنند. با تقویت بنیه مالی این تجار می‌توان تجارت متقابل را شکل داد.

راه دیگر نفوذ به بازار آفریقا، سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی صنایع مونتاژ (با بررسی برگشت اصل سرمایه ظرف یکسال) است. کالاهای قابل صدور در این زمینه باید به‌صورت قطعات منفصله (سی.کی.دی) صادر شود، بخشی از مراحل پایانی تولید در آفریقا صورت بگیرد و به ایجاد اشتغال و رفع مشکل بیکاری این قاره کمک کند تا از حمایت‌های قانونی دولت‌های آنها نیز برخوردار گردد. با صدور کالای نیمه‌تمام می‌توان از تخفیف‌های کلان سود و عوارض گمرکی برای ورود کالا به این بازارها بهره گرفت. چنانچه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد کشورهای آفریقایی صورت گیرد، تسهیلات بیشتری قابل استفاده خواهد بود. در سالهای اخیر اکثر کشورهای آفریقایی، مناطق آزاد تجاری - صنعتی تشکیل داده‌اند.

○ فقدان ترتیبات و نظامات بانکی، انحصارطلبی تجار سنتی، قوم‌گرایی و فساد و رشوه‌خواری، از موانع فعالیت اقتصادی در بازار آفریقا است ولی این موانع برای تمام خارجی‌هاست.

با این وصف حضور فیزیکی برای فعالیت‌های اقتصادی در آفریقا، ضروری است.

موانع ورود به بازارهای آفریقایی

مسائلی نظیر امنیت، وجود نیروهای محلی و خارج شدن اقتصاد آفریقا از شکل رسمی و بین‌المللی را می‌توان از موانع ورود به این بازار پرتقاضا دانست.

مسأله امنیت جانی و مالی و یا صدمات احتمالی ناشی از درگیری‌ها و تحولات زودرس سیاسی در کشورهای آفریقایی برای بسیاری از تجار و سرمایه‌گذاران قابل تعمق و بررسی است. با این حال بسیاری از اتباع آسیایی، اروپایی و به‌تازگی آمریکایی و اتباع کشورهای خاوردرود در این بازار حضوری فعال دارند. لذا مسأله ناامنی، آنچنان که مطرح می‌شود، مسأله‌ساز نیست و اگر جوانب ایمنی و حفاظتی رعایت شود، بازار آفریقا از امنیتی مانند دیگر بازارهای جهان برخوردار است. نیروهای محلی نیز چندان قابل اعتماد نیستند، زیرا قرن‌ها استعمارگران با دروغ و تزویر به سودجویی در این بازارها پرداخته‌اند و روح و فرهنگ اعتماد و اطمینان را از مردم این دیار گرفته‌اند.

○ فقدان مراکز اطلاعات کاربردی، توجه نداشتن نمایندگی‌های ایران در کشورهای آفریقایی به منافع فعالیت‌های اقتصادی در این قاره، فقدان حمایت دولت در ارائه تسهیلات به صادرکنندگان کالا، از بعد داخلی مانع حضور مستمر و پربار ایرانی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در قاره آفریقا است.

با این وصف در همکاری‌های تجاری - اقتصادی، زمانی که با اشخاص معامله می‌شود باید ارزش‌های مبتنی بر اعتماد و اطمینان کنار رود و تا حد ممکن ضمانت کافی و ضوابط محکم در قراردادهای

تجاری گنجانده شود.

شرایط تجارت با آفریقا از آنجا که نسبت به بیگانگان اعتماد وجود ندارد، کاملاً در حال تحول است و از قالب ضوابط رسمی و بین‌المللی خارج می‌شود. آفریقایی‌ها سعی دارند نظام مختص به خود را جایگزین کنند. امور تجاری به‌طور رسمی و بر اساس اصول تجارت بین‌المللی در کمتر کشوری انجام می‌شود و مسأله فساد و رشوه‌خواری برای فرار از پرداخت حقوق دولتی این مشکل را تشدید می‌کند. مقررات اقتصادی و حقوقی یا وجود ندارد و اگر دارد اجرا نمی‌شود. دادگستری بی‌طرف و بی‌غرض با اتباع بیگانه برخورد نمی‌کند، لذا در دعاوی حقوقی، استفاده از وکیل محلی برای دستیابی به حقوق، ضروری است.

موانع داخلی برای ورود به بازار آفریقا

موانعی نیز در ایران وجود دارد که رسوخ در بازار آفریقا را دشوار می‌سازد. از جمله این موانع، فقدان حمایت دولت از دست‌اندرکاران تجارت با آفریقا می‌باشد. تجاری که کالا به آفریقا صادر می‌کنند از لحاظ مقررات ارزی، گمرکی و ... هیچ تفاوتی با تجار سنتی اروپا و خاور دور ندارند.

○ مسعود بلغانی مسؤول خانه آفریقا: یادداشت تفاهم‌های منعقد شده ایران با کشورهای آفریقایی غالباً به اجرا در نیامده و فعالیت چشمگیری در زمینه گسترش مناسبات اقتصادی انجام نشده است.

مراکز اطلاعات کاربردی در مورد کشورهای آفریقایی وجود ندارد. ایجاد

مراکزی از سوی بخش خصوصی که اطلاعات کاربردی ارائه دهد، ضروری به نظر می‌رسد، اما فعالان این بخش (به‌ویژه در رابطه با آفریقا) از بنیه مالی کافی برای تأسیس چنین مراکزی برخوردار نیستند و لذا حمایت دولت در این بخش ضروری است.

از سوی دیگر ارتباطات منظم و مساعدی بین ایران و کشورهای آفریقایی وجود ندارد و تنها دولت در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. با وجود آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقداماتی در زمینه توسعه مناسبات سیاسی با کشورهای آفریقایی صورت گرفته، با این حال فقدان نظم کاری و به اجرا در نیامدن تفاهم‌های به‌عمل آمده، مشکلاتی را پیش روی صادرکنندگان کالا به قاره سیاه نهاده است.

باید توجه داشت که بنیه مالی اغلب کشورهای آفریقایی ضعیف است. لذا ضمانت اقتصادی و مساعدت‌های مالی برای بخش خصوصی به‌منظور توسعه فعالیت‌های اقتصادی - تجاری با قاره آفریقا، ضروری است. مانع دیگر برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی در آفریقا، بافت غیراقتصادی نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در کشورهای این قاره است. این نمایندگی‌ها با امور تجاری - اقتصادی برخورد کارشناسی ندارند و اولویتی نیز برای این امر قایل نیستند. در حالی که آنها می‌توانند اطلاعات مفید و ارتباطات سودمندی برای تجار ایرانی در کشورهای آفریقایی فراهم آورند.

○ با فروپاشی شوروی سابق، توجه فعالان اقتصادی و مسؤولان دولتی به بازار آسیای میانه جلب شد و آفریقا برای مدتی از یاد رفت.

فعالان اقتصادی در قاره آفریقا خواستار مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های دولتی و همراهی‌شان در سفرهای رسمی اقتصادی، فراهم شدن تسهیلات لازم در زمینه اخذ روادید، ایجاد تمایز بین حقوق گمرکی و عوارض دولتی برای صادرکنندگان کالا به آفریقا نسبت به دیگر نقاط جهان، تخصیص اعتبارات مالی یا شرایط سهل‌تر، مشارکت دولت در ریسک فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی در آفریقا، برگزاری نمایشگاه‌های عرضه کالا در کشورهای این قاره و ... می‌باشند.

روابط ایران و آفریقا در سال‌های اخیر

مسعود بلغانی مسؤول خانه آفریقا در گفت‌وگو با خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» اظهار داشت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود انعقاد یادداشت‌های تفاهم بین ایران و کشورهای آفریقایی، فعالیت چشمگیری در زمینه گسترش مناسبات اقتصادی انجام نشده است.

وی گفت: پس از فروپاشی شوروی سابق، توجه به جمهوری‌های تازه استقلال یافته معطوف شد و مدت‌ها آفریقا از یاد رفته بود. در حالی که در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به سیاست کفر و ظلم‌ستیزی جمهوری اسلامی ایران، نزدیکی به کشورهای جهان سوم به‌ویژه کشورهای مسلمان آفریقا بیشتر شد.

○ **توافقاتنامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های اقتصادی بدون پشتوانه اجرایی، در روند روابط آینده با کشورهای آفریقایی، تأثیر منفی دارد.**

وزارت امور خارجه بخش زیادی از فعالیت خود را در این قاره (آفریقا) متمرکز نمود و تعداد نمایندگی‌های ایران در آفریقا که قبلاً محدود بود به ۲۷ نمایندگی افزایش یافت و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی در قالب نمایندگی آکرودیتته، روابط سیاسی برقرار گردید.

بلغانی گفت: از تحولات عمده در روابط ایران و قاره سیاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قطع مناسبات سیاسی - اقتصادی با رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی بود.

وی با اشاره به فعالیت گسترده وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی گفت: این وزارتخانه برحسب وظایف خود نقطه‌های اتصال را در آفریقا به‌وجود آورد، اما فقدان هماهنگی، همکاری و همگامی دیگر نهادها و ارگان‌های اقتصادی کشور سبب شد که بهره لازم از موقعیت ایجادشده، به‌دست نیاید و روابط با کشورهای آفریقایی به‌صورت مسکوت یا محدود باقی بماند.

مسؤول خانه آفریقا در ارتباط با نحوه برقراری ارتباط با کشورهای این قاره گفت: در مرحله اول با توجه به بافت سیاسی - اقتصادی کشورهای آفریقایی، مستحکم‌تر ساختن روابط اقتصادی و حضور نیروهای ایرانی، ضرورت دارد. انعقاد توافقاتنامه و تفاهم‌نامه‌های اقتصادی بدون پشتوانه اجرایی، در روند روابط آینده با این کشورها، تأثیر منفی به‌جا می‌گذارد.

وی تصریح کرد: برخی از یادداشت تفاهم‌های منعقد شده میان ایران و بعضی کشورهای آفریقایی، حاوی نکات کمکی و بار مالی است که متأسفانه تاکنون جنبه عملی پیدا نکرده است.

بلغانی درباره این تفاهم‌نامه‌ها گفت: تفاهم‌نامه‌هایی میان مقام‌های بلندپایه

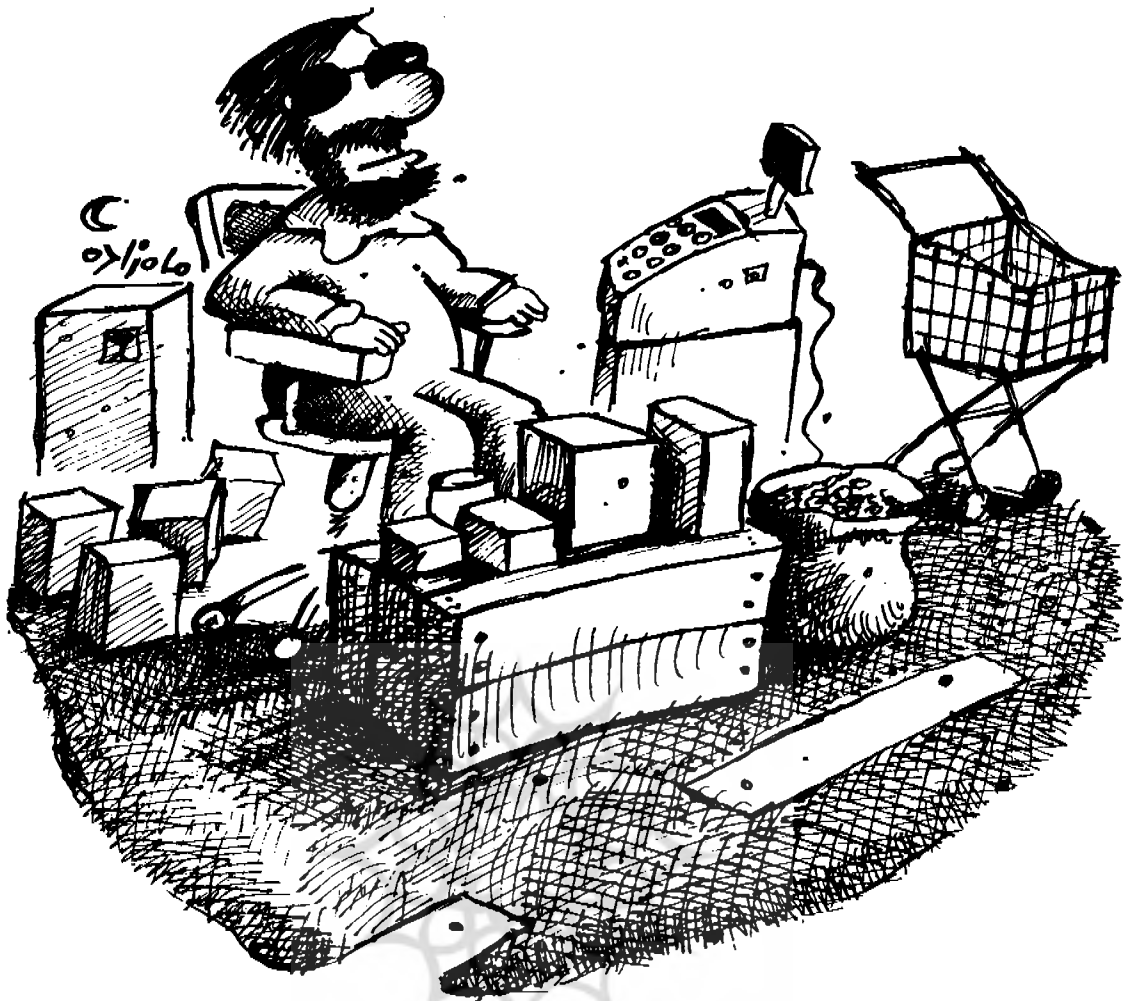
جمهوری اسلامی ایران و کشورهای سودان، زیمبابوه، تانزانیا، اوگاندا و ... منعقد شد که بر اساس آنها کشورهای مورد بحث از خرید کالا با نرخ ترجیحی و یا اعتبارات صدور کالاهای ایرانی، باید بهره‌مند می‌شدند. این تفاهم‌نامه‌ها عملی نشد و علت آن نیز مشخص نبودن منبع تأمین مالی و مجریان کار بوده است.

○ **فعالیت‌های جهاد سازندگی در طرح‌های توسعه روستایی، خرید برخی از کالاهای، برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی در برخی کشورهای آفریقایی، از اقدامات مثبت برای توسعه مناسبات با آفریقا بوده است.**

وی اضافه کرد: در سال ۱۳۶۳ نیز به‌منظور نیل به اهداف دولت در کشورهای اسلامی و مستضعف، طرحی تهیه و به هیأت دولت تسلیم شد که بر مبنای آن یکصد میلیون دلار کمک‌های خارجی برای این کشورها در نظر گرفته شده بود. این طرح در کمیسیون ماده ۹ به تصویب رسید ولی از اجرای آن گزارشی تاکنون منتشر نشده است.

بلغانی درباره این موضوع که کشورهای آفریقایی خریدار کدامیک از کالاهای ایرانی هستند، گفت: اکثر این کشورها متقاضی خرید نفت با قیمت ترجیحی هستند. از جمله تانزانیا، موزامبیک، سودان، بنین، غنا، مالی، ماداگاسکار، بروندي، گینه بیسائو، سیرالئون و ... البته در مورد بعضی از آنها نیز انجام شده است.

از بلغانی درباره سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و کشورهای آفریقایی پرسیدیم، گفت: وزارت امور خارجه در چند



اما هیچیک پیگیری نشد. با این حال وزارت جهاد سازندگی در طرح‌های کشاورزی، تأسیس درمانگاه و مراکز واکسیناسیون دامی فعالیت کرد. به‌تازگی با سفر ریاست جمهوری اسلامی ایران به سودان، طرح‌هایی در این کشور به‌اجرا درآمده است.

○ در پنج سال اخیر بیش از ۵۰ نمایشگاه در آفریقا برگزار شد و محصولات ایرانی با استقبال مشتریان روبه‌رو شد.

بلغانی با اشاره به توجه ایران به کشورهای آفریقایی تا قبل از فروپاشی

اما تداوم نیافت. برای مثال به‌جای هند، خرید چای از کشورهای تانزانیا، کنیا و زیمبابوه مطرح شد، اما فقط یک صد تن چای از زیمبابوه خریداری شد.

وی دربارهٔ خدمات تجاری با آفریقا اظهار داشت: ایجاد خط کشتیرانی ایران - آفریقا، ایجاد خطوط پرواز بین تهران - نایروبی و تهران - انتبه، بارها مورد مذاکره قرار گرفت، اما هر بار به عللی انجام نشده و با یک رفت و برگشت قطع گردید.

وی افزود: برخی ارگان‌های ایرانی در مناقصه‌های کشورهای آفریقایی شرکت کردند، از جمله وزارت نیرو در مناقصه برق شمال غنا و ارگان‌های دیگر در مناقصه انجام برخی پروژه‌ها در تانزانیا و زیمبابوه،

کمیسیون مشترک بحث سرمایه‌گذاری مشترک میان ایران و برخی کشورهای آفریقایی را مطرح کرده است، اما نهادهای ذیربط به این موضوع توجه نکرده‌اند.

○ آفریقای جنوبی مرکزی برای خرید کشورهای جنوب و شرق آفریقا و ایران پلی برای رسیدن آفریقایی جنوبی به بازار آسیای میانه، لذا فضای همکاری‌های متقابل بسیار گسترده‌تر از میزان کنونی است.

وی در بخش تجارت با آفریقا گفت: چند حرکت مقطعی در تجارت خارجی با بعضی کشورهای آفریقایی صورت گرفت

شوروی سابق گفت: در سفر آقای هاشمی رفسنجانی به چند کشور آفریقایی واقع در جنوب صحرا در سال ۱۳۶۴ موافقتنامه‌هایی در زمینه همکاری‌های فنی و آموزشی با چند کشور منعقد شد. از جمله همکاری‌های نفتی با آنگولا، فروش نفت به بروندی، چند قرارداد نفتی با تانزانیا، همکاری‌های اقتصادی با موزامبیک و...

وی افزود: به منظور برقراری روابط بازرگانی در سال ۱۳۶۳ هیأتی از سازمان چای به تانزانیا سفر کرد و درباره خرید ۳۰ تن چای از آن کشور به توافق رسید. اجرای طرح‌های توسعه روستایی از سوی وزارت جهاد سازندگی، همکاری در زمینه‌های بهداشتی و واکسن‌سازی، شرکت در نمایشگاه دارالسلام، استخراج اورانیوم، اکتشاف نفت، خرید قهوه، زردچوبه و کنجد نیز از تفاهم‌هایی بوده که با تانزانیا صورت گرفت. این هیأت در زیمبابوه مذاکراتی برای همکاری‌های نفتی از جمله احداث پالایشگاه، کمک‌های فنی، اعزام هیأتی برای خرید چای، ذرت و قهوه (۳۰۰ تن چای، یک تن قهوه و صد هزار تن ذرت) انجام داد. همچنین بحث‌هایی درباره خرید گوشت انجام شد که به ظاهر به لحاظ گران بودن قیمت نتیجه‌ای نداشت. اقداماتی برای فروش تراکتور به زیمبابوه صورت گرفت و تراکتورسازی تبریز نیز دفتر نمایندگی خود را در زیمبابوه تأسیس کرد.

وی اضافه کرد: در نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۹۶ زیمبابوه، کالاهای ایرانی عرضه شد و از نظر قیمت و کیفیت و نیز غرفه‌آرایی، دو مدال طلای این نمایشگاه نصیب غرفه ایران شد.

وی در رابطه با روابط ایران و کنیا گفت: تا قبل از پیروزی انقلاب، ایران

تأمین‌کننده اصلی نفت کنیا بود. با قطع روابط سیاسی در سال ۱۳۵۷، فروش نفت به این کشور منتهی شد اما در سال ۱۳۶۱ دو کشور برقراری روابط اقتصادی و تجاری و توسعه آن را پذیرفتند. اولین قرارداد فروش نفت خام ایران به کنیا پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۶۴ و به میزان سالانه ۲۵۰ هزار تن منعقد شد.

این توان وجود داشت که در پنج سال اخیر حجم کلانی از کالاهای غیرنفتی ایران روانه بازار آفریقا شود. با این حال از این فرصت بهره‌برداری کافی نشده است زیرا اطلاعات و امکانات ارتباطی محدود بوده است.

وی افزود: نمایشگاه اختصاصی کالاهای ایرانی در کنیا هر ساله برگزار می‌شود و تاکنون بیش از بیست شرکت ایرانی در این کشور به ثبت رسیده که کالاهای ایرانی را برای عرضه در بازار کنیا، وارد می‌کنند. در سال ۱۳۶۵ نیز ایران ۲۵ هزار تن ذرت و ۲۵۰۰ تن چای از کنیا خریداری کرد. دفتر تجاری ایران در کنیا، در حال حاضر دایر و فعال می‌باشد.

بلغانی درباره روابط اقتصادی ایران و ماداگاسکار گفت: موافقتنامه همکاری‌های اقتصادی بین ایران و این جزیره حاشیه جنوبی آفریقا منعقد شده است. قرار است چوب، شکر، برنج، گندم و کاغذ از این کشور خریداری شود و به ظاهر تفاهم‌هایی در زمینه کشتیرانی و بیمه بین طرفین به وجود آمده است.

وی درباره مناسبات ایران و موزامبیک گفت: در سفر ریاست جمهوری اسلامی ایران به این کشور، یادداشت تفاهمی در زمینه همکاری‌های کشاورزی، مسکن و شهرسازی، بازرگانی، بهداشتی و آموزشی

امضا شده است.

وی افزود: در غرب آفریقا، قراردادهایی برای خرید بی‌اکسید از گیتنه، فسفات از سنگال و... منعقد شده که بخشی از آن انجام شده است.

○ آفریقای جنوبی برای دستیابی به بازار آسیای میانه و ترانزیت کالا از خلیج فارس به این کشورها، پایه‌های عملیاتی بازرگانی خود را در دبی ایجاد کرده است.

مسئول خانه آفریقا اظهار داشت: در شمال آفریقا در چارچوب کمیسیون مشترک ایران و لیبی، قراردادهایی امضا شده است. با وجود محدودیت‌های قانونی در لیبی در زمینه معاملات و سرمایه‌گذاری خارجی، جمهوری اسلامی ایران محصولات خود را در این کشور فروخته است.

وی افزود: تونس و مصر خواهان گسترش روابط تجاری بخش‌های خصوصی با ایران هستند. در نمایشگاه بین‌المللی تهران در سال ۱۳۷۴، بیش از ده کشور آفریقایی (به خصوص کشورهای مسلمان شمال آفریقا) به‌طور فعال مشارکت کردند. مسئولان غرفه این کشورها به این حقیقت اقرار داشتند که کالاهای ایرانی از نظر رقابت و کیفیت، بازار مناسبی در آفریقا دارند.

وی عمده‌ترین تحولات به‌وجود آمده در رابطه با آفریقا را قطع روابط ایران با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، و برخی کشورهای وابسته‌تر این قاره و نیز توسعه روابط با دیگر کشورهای آفریقایی ذکر کرد. وی افزود: با پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قطع شد، در حالیکه پیش از آن، ایران تأمین‌کننده عمده نفت خام مورد نیاز

پالایشگاه‌های آفریقای جنوبی بود. در مقابل واردات کالا از آفریقای جنوبی نیز قطع گردید و روابط رسمی دو کشور مسکوت ماند.

وی گفت: ایران با گروه‌های مبارز در آفریقای جنوبی به ویژه کنگره ملی آفریقا و کنگره پان آفریکن روابط محکم‌تری برقرار ساخت و از حقوق آنها در مجامع بین‌المللی دفاع کرد. با روی کار آمدن دولت آشتی ملی در آفریقای جنوبی، تحریم مناسبات با این کشور برداشته شد و روابط اقتصادی سیر صعودی پیدا کرد.

○ رئیس اتاق بازرگانی: روابط بازرگانی ایران با پنج کشور عرب زبان آفریقا آنقدر ناچیز است که در خور ذکر نیست.

وی تصریح کرد: قرارداد ایران با آفریقای جنوبی برای ذخیره‌سازی ۳۵ میلیون بشکه نفت در خلیج سالدانها، مورد اعتراض بعضی قدرت‌های بانفوذ در آفریقا قرار گرفت. گذشته از آن مسؤلان ایران و آفریقای جنوبی با گسترش مناسبات در زمینه‌های صنایع، بازرگانی، مشارکت شرکت‌های آفریقای جنوبی در پروژه‌های اقتصادی مناطق آزاد ایران و فروش نفت، موافقت کرده‌اند.

وی گفت: براساس آمار موجود از سال ۱۳۷۱ تا نیمه اول سال ۱۳۷۳ بیش از ۸ میلیون دلار کالاهای غیرنفتی از ایران به آفریقای جنوبی صادر شد. در اواخر سال گذشته نیز نمایشگاه اختصاصی ایران در ژوهانسبورگ برگزار شد که در این نمایشگاه تقریباً یک میلیون دلار کالاهای عرضه شده از سوی ۱۱۰ شرکت ایرانی، به فروش رفت. در نیمه اول سال ۱۳۷۳ در مجموع

بیش از ۱۰۳/۳ هزار تن کالا به ارزش ۱۷/۵ میلیون دلار از آفریقای جنوبی به ایران صادر گردید که شامل ۹۸ تن ذرت، ۵/۳ تن ورق فولاد، ۵/۳ تن متیل اتیل استن بوده است.

وی تأکید کرد: آفریقای جنوبی مرکزی برای خرید کشورهای جنوب و شرق آفریقا است و ایران نیز پلی برای رسیدن آفریقای جنوبی به کشورهای آسیای میانه می‌باشد، لذا فضای همکاری‌های متقابل بسیار گسترده‌تر از میزان کنونی است.

وی گفت: در حال حاضر آفریقای جنوبی مهمترین شریک تجاری ایران در قاره آفریقا است. در شرق آفریقا به لحاظ سهولت تردد، کنیا بهترین بازار جذب کالاهای ایران می‌باشد. ایرانیانی که در چند سال اخیر در کنیا سکونت اختیار کرده‌اند، در صادرات کالاهای ایرانی به این بازار نقش مهمی دارند.

وی اضافه کرد: در میان کشورهای جنوب صحرائی آفریقا، تانزانیا، اتیوپی، زیمبابوه، اوگاندا، ماداگاسکار و نامیبیا و در غرب آفریقا سنگال، غنا و گینه از خریداران کالاهای ایران می‌باشند که غالباً خریدهایشان از نمایشگاه‌هایی که برگزار می‌شود، صورت می‌گیرد.

در پنج سال اخیر ایران بیش از ۵۰ نمایشگاه فروش یا نمایش کالاهای ایرانی در قاره آفریقا برگزار کرده است و بیش از دو هزار کانتینر کالا در این نمایشگاه‌ها عرضه شده که با استقبال عمومی روبه‌رو شده است.

وی با اشاره به این مطلب که تاکنون از صادرات ایران به کشورهای آفریقایی آمار دقیقی جمع‌آوری نشده است، گفت: توجه به این نکته ضروری است که تاکنون از ۲۰ درصد ظرفیت جذب کالاهای ایرانی در بازار آفریقا، نیز استفاده نشده است. این

توان وجود داشت که در پنج سال گذشته حجم کلانی از کالاهای صادراتی ایران روانه بازار آفریقا شود و اکنون نیز سیل صدور کالا به این بازار را شاهد باشیم.

بلغانی گفت: واردات ایران از آفریقا از چند کشور گینه، سنگال، کنیا و آفریقای جنوبی صورت می‌گیرد. با وجود پتانسیل عظیم منابع زیر و روی زمین کشورهای آفریقایی (مواد خام)، از این فرصت بهره‌برداری کافی نشده است و علت آن فقدان اطلاعات و امکانات ارتباطی است.

○ شناخت ساختار اجتماعی، باورها و عرف زندگی، رجحان مردم و جامعه‌شناسی برای حضور در آفریقا بسیار مهم است.

بلغانی درباره رقبا ایران در آفریقای جنوبی گفت: امارات متحده عربی به‌ویژه دبی از شرکای عمده تجاری آفریقای جنوبی است. آفریقای جنوبی در این امیرنشین پایه‌های عملیاتی بازرگانی خود را با هدف صدور کالا به کشورهای منطقه برنامه‌ریزی کرده است. از آنجا که ایران سهل‌ترین راه ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه است، انتظار می‌رود که از این مسیر حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد تا خود را به کشورهای آسیای میانه نزدیک سازد.

وی خصوصیات اقتصادی کلی کشورهای آفریقایی را در چارچوب کشورهای عقب‌مانده و تعداد کمی از آنها را در حال توسعه گنجانده و افزود: مشکلات این قاره به‌طور کلی گسترش فساد و تباهی اجتماعی ناشی از اشاعه فرهنگ‌های بیگانه، فقر، جهل و بیسوادی، اشاعه بیماری‌های مختلف، عدم ثبات سیاسی ناشی از مداخله و رقابت قدرت‌های بزرگ

و تأثیر سوء آن بر برنامه‌های اقتصادی کلان و درازمدت، کسری تراز پرداخت‌ها و بهره‌سنگین بدهی‌های خارجی، اقتصاد تک‌محصولی، کمبود ارز و ناتوانی ملی به لحاظ وجود انحصارات بین‌المللی و نقشی که آنها در خرید و تعیین بهای کالاهای صادراتی آفریقا دارند و ... می‌باشند.

وی دربارهٔ سهم تجارت آفریقا در دادوستدهای بازرگانی جهان گفت: سهم قاره آفریقا در تجارت جهانی بسیار محدود و روبه نزول است. بیش از دو سوم تجارت خارجی این کشورها با پنج کشور فرانسه، انگلیس، آمریکا، آلمان و ایتالیا صورت می‌گیرد.

وی اضافه کرد: وابستگی شدید نظام‌های خدمات بازرگانی کشورهای آفریقایی به کشورهای صنعتی غرب از دیگر مشکلات این قاره می‌باشد.

وی به کمبود تأسیسات زیربنایی (راه‌آهن، بندر، راه‌های مناسب، مخابرات و...)، کمبود نیروی انسانی متخصص، عقب‌ماندگی صنعتی و تکنولوژیکی، عدم امنیت و خارج شدن اقتصاد اکثر کشورهای آفریقایی از شکل رسمی و بین‌المللی را بخشی از مشکلات و موانع حضور در آفریقا و برقراری ارتباطات اقتصادی ذکر کرد.

وی افزود: این مشکلات فقط برای تجار و صنعتگران ایرانی نیست، بلکه همه کشورها با آن روبه‌رو هستند. با وجود این مشکلات، حضور فعال و گسترده کشورهای نظیر هند، چین، پرتغال و برخی کشورهای خاور دور در مبادلات بازرگانی و تجاری آفریقا، چشمگیر است.

وی گفت: با وجود این مشکلات ایران نیز می‌تواند سهم بیشتری از تجارت خارجی آفریقا را از آن خود سازد.

مسعود بلقانی که تحصیلات خود را در سه رشته زبان، تاریخ و امور سیاسی تا

سطح کارشناسی ادامه داده، مؤلف کتاب مروری بر آفریقا، مطالعات شاخ آفریقا و ۴۰ مقاله اقتصادی در مورد کشورهای آفریقایی است. وی دربارهٔ نحوه تأسیس خانه آفریقا می‌گوید: خانه آفریقا محلی برای تجمع اطلاعات، مشاوره و محرک فعالیت بخش خصوصی در کشورهای آفریقایی است. در طرح پیشنهادی خانه آفریقا سه بخش فرهنگی، اقتصادی و اطلاع‌رسانی منظور شده است.

ایجاد مراکز آموزشی به خصوص آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای آفریقایی، از جمله فعالیت بخش فرهنگی خانه آفریقا است.

در بخش اقتصادی، مبادله کالا و انجام تجارت متقابل، فروش تکنولوژی و حضور نیروهای کارآمد در این قاره مدنظر بوده و تاکنون تعداد قابل توجهی از افراد خصوصی توسط خانه آفریقا به این قاره راهی شده‌اند.

○ ایجاد روابط حسنه و جلب اعتماد زمامداران و مردم آفریقا، نخستین گام برای ورود به بازار آفریقا است.

در بخش اطلاع‌رسانی، جمع‌آوری اطلاعات و ارائه آن به بخش خصوصی مدنظر بوده و تاکنون بیش از ۵۰ مقاله در این زمینه تدوین شده است.

خانه آفریقا، چندین شرکت تجاری در کشورهای زیمبابوه، زامبیا، کنیا و آفریقای جنوبی به ثبت رسانده است.

در زمینه برگزاری نمایشگاه‌های ایران در آفریقا فعالیت دارد و در آینده نزدیک نمایشگاهی در ژنبر برگزار خواهد شد.

هدف خانه آفریقا گسترش روابط مردمی ایران و کشورهای آفریقایی در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و حضور

بیشتر بخش خصوصی در این قاره است. وی با اشاره به برنامه‌های آینده خانه آفریقا، خواستار حمایت مسؤولان نظام جمهوری اسلامی از این نهاد در پیشبرد اهداف آن شد.

روابط بازرگانی ایران با کشورهای آفریقایی بسیار ناچیز است

مهندس علینقی خاموشی، رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مقاله‌ای با عنوان «فرصت‌های استفاده نشده در توسعه روابط اقتصادی ایران و کشورهای عرب‌زبان آفریقا» در دومین سمینار آفریقا اظهار داشت: متأسفانه روابط بازرگانی ایران با پنج کشور عرب‌زبان آفریقا (مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش) به قدری اندک است که درخور ذکر نمی‌باشد.

وی گفت: ایران در سال ۱۹۹۳ از مراکش ۶۹ میلیون دلار کالا وارد کرد که معادل ۱۲/۰ درصد واردات کشور بود. از مصر ۲/۶ میلیون دلار (۰/۰۰۲ درصد) و از تونس بیش از ۲ میلیون دلار (۰/۰۰۲ درصد واردات کشور) کالا خریداری کرد.

وی افزود: صادرات ایران به سه کشور تونس، لیبی و مراکش در سال ۷۳ مقدار ناچیزی بود. به تونس ۵ میلیون دلار (معادل ۱۴/۰ درصد)، لیبی ۸۰۰ هزار دلار (۰/۰۲۲ درصد) و به مراکش ۱۱۴ هزار دلار (معادل ۰/۰۰۳ درصد صادرات کشور) کالا صادر شد.

وی با اشاره به افلام صادراتی ایران به کشورهای مورد بحث گفت: شناخت از این کشورها بسیار اندک است. شناخت ساختار اجتماعی، روحیه، باورها و عرف زندگی، رجحان مردم و جامعه‌شناسی، بسیار مهم است. به خصوص آنکه مسلمانان آفریقا

سالها مستعمره انگلیس یا فرانسه بوده‌اند و به لحاظ رفت‌وآمد جهانگردان به هر صورت با بیگانگان، در آمیخته‌اند.

وی کشورهای شمال آفریقا را دروازه ورود به قاره آفریقا تلقی کرد و افزود: نخستین گام باید ایجاد حسن رابطه و جلب اعتماد زمامداران و مردم این کشورها باشد. باید از حساسیت نشان دادن در مورد مسایل غیراصولی، تحقیر دولت‌ها و مردم این کشورها پرهیز شود و منافع بلندمدت فدای حوادث گذران نگردد.

وی تصریح کرد: باید با منطق و مذاکره دوستانه به مسؤولان کشورهای آفریقایی بقبولانیم که ثروت، امکانات و فرصت‌های گرانبهای خود را صرف گسترش خصومت با یکدیگر نکنند و منابع مالی محدودشان را صرف امور مثبت، سازنده و توسعه تفاهم و همکاری با یکدیگر نمایند.

وی هشدار داد که تهدیدهای اقتصادی و قطع کردن یا کاستن و حتی جلوگیری از توسعه همکاری‌های اقتصادی و فنی ایران با کشورهای آفریقایی، بسیار مهم‌تر از جدال‌های لفظی است.

○ ایجاد خط کشتیرانی میان مدیترانه - بحر احمر - خلیج فارس و اقیانوس هند و برقراری پروازهای هفتگی منظم، برای توسعه روابط ایران و آفریقا ضروری است.

وی تأکید کرد که ارتباط ایران با کشورهای آفریقایی باید استحکام یابد و با کشورهاییی که ارتباط سیاسی وجود ندارد، در صورت امکان با حفظ اصول، روابط سیاسی برقرار گردد.

وی به انجام مذاکره برای ایجاد خط کشتیرانی بین مدیترانه، بحر احمر، خلیج

فارس و اقیانوس هند تأکید کرد و استقرار پروازهای هفتگی مرتب بین تهران و کشورهای شمال آفریقا را مفید دانست تا روابط جهانگردی تحکیم گردد.

مهندس خاموشی برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی، ایجاد فروشگاه‌های دائمی و حضور در نمایشگاه‌های کشورهای آفریقایی را برای توسعه مناسبات اقتصادی با آفریقا ضروری دانست.

ماحصل کلام

بازار آفریقا از حیث قدرت جذب کالا‌های ایرانی و رقابت آنها با محصولات مشابه خارجی (به لحاظ کیفیت و قیمت) برای توسعه صادرات غیرنفتی کشور در آینده یک بازار هدف می‌باشد.

ورود به این بازار از آنجا که قوم‌گرایی، رقابت انحصارگران سنتی، خارج شدن از شکل رسمی و بین‌المللی، فقدان تأسیسات زیربنایی، وابستگی امور مالی به کشورهای صنعتی غرب و ... از موانع اصلی است، غیرممکن نمی‌باشد. اما باید با دقت و نظارت و کنترل کافی صورت پذیرد.

از آنجا که آفریقای جنوبی به لحاظ توسعه صنعتی در شمار کشورهای پیشرفته قرار گرفته و بسیاری از موانع ناشی از عقب‌ماندگی ساختار اقتصادی را مانند دیگر کشورهای آفریقایی ندارد، می‌تواند راه نفوذ به قاره آفریقا باشد.

آفریقای جنوبی مرکز خرید کشورهای شرق و جنوب قاره آفریقا است، لذا صدور کالا به این بازار نفوذ در بازارهای مورد بحث را به تدریج ممکن می‌سازد.

این کشور تلاش دارد به بازار آسیای میانه دسترسی پیدا کند و راه ترانزیت

کالا‌های صادراتی آفریقای جنوبی از خلیج فارس به آسیای مرکزی، ایران می‌باشد، لذا توسعه مناسبات اقتصادی با ایران برای آفریقای جنوبی نیز حائز اهمیت است.

گذشته از آنکه قطع روابط جمهوری اسلامی ایران با رژیم نژادپرست و هواداری از کنگره ملی خلق آفریقا و کنگره پان‌آفریکن در دوره مبارزه علیه نظام آپارتاید، پایه‌های روابط سیاسی دو کشور را به قدر کافی استحکام بخشیده است.

مسیر دیگر نفوذ به بازار آفریقا از طریق شمال این کشور و کشورهای مصر، تونس، الجزایر، مراکش و لیبی است. این کشورها (به‌ویژه لیبی) روابط محکمی با جمهوری اسلامی دارد و بقیه آنها نیز خواستار توسعه مناسبات با ایران می‌باشند. لذا استفاده از فرصت حاضر می‌تواند به بهبود روابط اقتصادی و نفوذ به درون قاره کمک کند.

اگرچه با فروپاشی شوروی سابق، توجه به بازار آسیای میانه معطوف شده است، اما بازار آفریقا نیز نباید از نظر دور بماند. این قاره ذخایر سرشار مواد معدنی را در اختیار دارد و با انجام همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌تواند به نفع اقتصاد ملی گام‌های اساسی برداشت.

از آنجا که حضور در بازار آفریقا، هزینه سنگینی برای عاملان اقتصادی و تجاری بخش خصوصی دارد لذا دولت می‌تواند با ایجاد تسهیلات لازم این بخش را مورد حمایت قرار دهد تا از این رهگذر به اهداف توسعه صادرات غیرنفتی نیز دست پیدا کند.

